

اعلام جنگ تروریسم دولتی در آمریکا علیه ساکنین خاورمیانه ای در این کشور
مریم نمازی، دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

در ادامه "جنگ علیه تروریسم"، اینبار دولت آمریکا از ۱۵ نوامبر ۲۰۰۲، تمام پسران و مردان ۱۶ سال به بالا که تابع عراق، ایران، سوریه، سودان یا لیبی می باشند و مقیم دائم، پناهجو و یا تابع آمریکا نیستند را موظف کرده است ظرف یک ماه خود را به سازمان مهاجرت آن کشور معرفی کنند. در غیر این صورت این افراد یا دیپورت میشوند یا از بازگشت مجدد آنان به آمریکا جلوگیری خواهد شد. این "سیستم امنیتی ثبت ورود و خروج" شامل تمام کسانی است که قبل از ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۲ وارد آمریکا شده اند. تمام افراد همچون مجرمین، بازجویی، عکس برداری و انگشت نگاری خواهند شد، و تا اطلاع ثانوی باید هر سال خود را مجدداً به سازمان مهاجرت معرفی کنند! (مقیمهای دائم و پناهجویان از این معرفی معاف اند بخاطر اینکه این اطلاعات در عین حال در پرونده های آنان موجود است.)

این قانون چیزی جز راسیسم دولتی نیست. یک گروه و جمع را بدون هیچ اتهام، مدرک و یا دلیل مجرم و محکوم می کند، فرقی برای مثال با سیاست دولت اسرائیل در بازداشت و بازجویی تمام پسران و مردان فلسطینی در دوره اشغال مجدد ندارد و در راستای همان سیاستی است که آمریکا در جنگ جهانی دوم با صد و بیست هزار ژاپنی که شصت درصدشان تابع آمریکا نیز بودند انجام داد. آنها را در کمپهای بازداشتی زندانی کرد و فقط در سال ۱۹۸۳ مجبور شد قبول کند که نمی بایست یک جمع را بدون هیچ اتهامی، مدرکی و دادگاهی بازداشت کند و به تمام بازماندگان آن سیاست خسارت پرداخت. قانون ۱۵ نوامبر ۲۰۰۲ دولت آمریکا اساساً همان است. راسیسم عریان تحت پوشش قانونی.

بعلاوه راسیسم نیز، حق و حقوق افراد و نرمهای شناخته شده ای را زیر پا می گذارد: مگر افراد بی گناه نیستند تا مجرم بودنشان ثابت شود؟ این را هر روز از طریق "هالی وود" به خورد مردم می دهند. مگر نباید اتهامی صورت گرفته باشد تا افراد را بتوانند انگشت نگاری و عکسبرداری کنند؟ مگر فرد متهم حق دادگاه و وکیل و دسترسی به مدارکی که علیه اش موجود است را ندارد؟ آری این حق و حقوقها و استانداردها مدتهاست شامل حال "شرقی ها" نمی شود. ما همه مان با تئوریهای نسبییت فرهنگی شان آشناییم. به ایران که می رسد برای مردم آنجا همه چیز امن و امان است و "فرهنگ خودشان" بیش نیست. وقتی هم که از آن جهنم به اروپا و آمریکا نیز می آییم، همان حق و حقوقی که مردم و طبقه کارگر این کشورها بدست آوردند و مال کل بشریت است نیز هنوز شامل ما نمی شود. این را هم ما خوب می شناسیم. یک نگاه به رفتار این دولتها به پناهجویان و مهاجرین، استانداردهای متفاوت را بروشنی نشان می دهد.

معلوم است تروریسم یک نگرانی واقعی من و شما و بخش اعظم مردم جهان است. بالاخره ماییم که

قربانی تروریسم آمریکا و ناتو و یا اسلامی بودیم و هستیم. اما این قانون چه ربطی به "مبارزه علیه تروریسم" دارد؟ صد البته که تمام آن دولتهای نامبرده از عراق و سودان و ایران و ... مستبدند. شکی نیز در این نیز نیست که تروریست هم می باشند. بالاخره جمهوری اسلامی یک رکن اساسی اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی است. اما این چه ربطی دارد با آن دانشجو و توریست و فردی که آنجا ویزای کار دارد؟ دولت آمریکا که بیشتر از مردم آن کشورها به ایران و عراق و ... ربط مستقیم دارد. غرب از صدام حمایت کرد، جمهوری اسلامی آلترناتیو غرب در قبال رشد چپ در ایران بود... خوب می دانیم که وقتی به منافع سیاسی - اقتصادی این دولتها برمی گردد، در مقاطعی دولتهایی را تروریست اعلام می کنند. قبلا برای مثال عراق یکی از یاران آمریکا بود، منجمله زمانی که از سلاحهای شیمیایی علیه مردم حلبجه استفاده کرده است. همین الان نیز "نیزار الخزرجی"، یک ژنرال سابق عراقی که آمریکا او را یک احتمال برای جانشینانی صدام حسین می داند بخاطر اینکه یک پناهنده کرد در دانمارک او را در خیابان بعنوان جلاد انفل در دهه ۸۰ شناخته و علیه او شکایت کرده است در بازداشت خانگی است.

جالب اینجاست. دولت آمریکا جمهوری اسلامی را تروریست می خواند اما همین هفته به محمد جواد ظریف، نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل اجازه ورود به آمریکا داده است. در حالی که هر روز و هر هفته ما خبر برگرداندن مردم عادی و پناهجوی دیپورتی را می شنویم. خاتمی، نماینده این رژیم تروریست چند بار به نیویورک رفته است و کل پلیس و قانون آمریکا از او در مقابل معترضین و قربانیان جمهوری اسلامی دفاع کرده است. خوب می دانیم که هدفشان تروریسم نیست، هدفشان خود ماییم. از بین بردن اعتراض و حق و حقوق مردم.

بهررو قرار نیست دولت آمریکا از حقوق انسانی ما دفاع کند و یا تروریسم را از بین ببرد. خودش عامل تروریسم و بی حقوقی است. فقط ماییم که می توانیم جلوی از بین رفتن حقوق مدنی را بگیریم و تروریسم از بین ببریم. اگر قبول کنیم که هر پیشرفت در حق و حقوق مردم نتیجه مبارزاتشان است، پس باید قبول کنیم که همان مردم پیشرو در آمریکا و جهانند که می توانند به این نامنی و بی حقوقی و از جمله به جنگ تروریستها خاتمه دهند.

(بنقل از همبستگی هفتگی ۷۸، نشریه هفتگی همبستگی_فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی بتاريخ ۲۲

نوامبر ۲۰۰۲

(<http://www.hambastegi.org/farsi/haftegi/index.htm>)